

آنچه هر مسلمان باید بداند

تألیف
آیة الله العظمی سید محمد شیرازی

ترجمة: علی کاظمی



آنچه هر مسلمان باید بداند

نویسنده:

آیت الله سید محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آنچه هر مسلمان باید بداند

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰ عنوان و نام پدیدآور : آنچه هر مسلمان باید بداند/ تالیف محمد شیرازی ؛ ترجمه علی کاظمی مشخصات نشر : [بی جا: بی نا ۱۳۸۶ق = [۱۳۴۴]. (قم: علمیه قم چاپخانه)) مشخصات ظاهری : ۵۸ ص. ۱۲ × ۵/۱۶ س م. وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری یادداشت : چاپ دوم. یادداشت : چاپ اول کتاب در سال ۱۳۸۵هجری در چاپخانه سعادت در کرمانشاه بوده است. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : شیعه -- اصول دین موضوع : فروع دین شناسه افزوده : کاظمی علی مترجم رده بندی کنگره : BP۲۱۶ /ح۵آ۸ ۱۳۴۴ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷۲ شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۸۹۰

اشاره

اصول و فروع دین دو رکن اعتقادی دین مقدس اسلام بوده و کمتر مسلمانی وجود دارد که اهمیت آن را نداند، منتهی برخی از مسلمانان نسبت به یادگیری و نهایتاً عمل به آن اهمال مینمایند. البته اصول دین تقلیدی نبوده و هر مسلمان باید بر اثبات این اصول (حد اقل برای خود) ادله کافی داشته باشد. این کتاب در اصل آشنائی با اصول و فروع دین میباشد با شیوه ای آسان و فراگیر چون دیگر کتابهای از این دست توسط نویسنده گرانقدر آن در حدود چهل سال قبل به رشته تحریر درآمده و سپس توسط دانشمند محترم آقای علی کاظمی به فارسی ترجمه شده.

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف

خوانندگان عزیز! شما مسلمانید ولی برای مسلمان کافی نیست که خود را مسلمان بنامد و بدستورات اسلام رفتار نکند، زیرا بر شخص مسلمان لازم است که: طبق قوانین اسلام عمل کند تا براستی مسلمان باشد، در دنیا آسوده زندگی و در آخرت سعادتمند و اهل بهشت گردد. بنا بر این بر شماست که دستورات و تعالیم اسلام را فرا گرفته با کوشش فراوان بدان عمل کنید. تعالیم عالیه اسلام بر سه بخش تقسیم میشود: ۱ _ اصول دین. ۲ _ فروع دین. ۳ _ اخلاق. هرکس به اصول دین مقدس اسلام عقیده مند گردید و به فروع آن عمل کرد و خود را به اخلاق اسلامی آراست در دو جهان رستگار خواهد شد.

کربلا _ محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

اصول دین

اصول دین

اصول دین مقدس اسلام پنج است: ۱ _ توحید. ۲ _ عدل. ۳ _ نبوت. ۴ _ امامت. ۵ _ معاد.

۱ _ توحید

توحید آن است که انسان بداند جهان را (خدای یکتا) آفریده و به آن هستی بخشیده و همه چیز در دست اوست بنا بر این آفرینش، روزی دادن، زنده نمودن، سلامتی، مرض... همه و همه به اراده اوست. (إنما أمره إذا أراد شیئا أن یقول له کن فیکون)(۱). ترجمه: هرگاه خداوند چیزی را اراده کند انجام می گیرد. دلیل بر وجود خدا، آنچه در آسمان می بینیم از خورشید و ماه و ستارگان درخشان، ابرها، بادها، باران و آنچه در زمین مشاهده می کنیم از دریاها، جویبارها، میوه جات، درختان و معادن گرانبها طلا و نقره و زبرجد و اقسام پرندگان که در هوا به پرواز در می آیند و حیواناتی که

در آبها شناورند و حیوانات گوناگون که در روی زمین هستند با صداها و اندازه های مختلف، و انسان این موجود شگفت انگیز آفرینش با حواس مختلفی که دارد: چشم، گوش، زبان، درد، شادی، عصبانیت اندوه و مانند آن. همه اینها ما را به خدائی دانا و بزرگ راهنمائی می کنند که به او عقیده مندیم و او را پرستش می نمائیم و از او یاری می جوئیم و در هرحال به او توکل داریم: خداوند دارای صفات بسیاری است: مانند (علم) بدین معنی که او همه چیز را از کوچک و بزرگ می داند و از قلب همگی آگاهست. و مانند (قدرت) یعنی: او بر هرچیزی توانا است، بر آفریدن، روزی دادن، میراندن، زنده کردن و غیر اینها. و مانند (حیات) یعنی: او زنده ای است که نخواهد مرد. و مانند (اراده) یعنی: او خواستار کارهائیست که در آن مصلحت است و هیچگاه کار زیان بخشی انجام نمی دهد. و مانند (ادراک) یعنی: او همه چیز را می بیند و همه چیز را می شنود، گرچه آهسته باشد. و مانند (قدمت) یعنی: او پیش از هرچیز بوده و همه چیز را آفریده و بعد از همه چیز خواهد بود. و مانند (تکلم) یعنی: او با هریک از بندگان خالص خود و پیامبران و فرشتگانش که خواسته باشد سخن می گوید. و مانند (صدق) یعنی: آنچه می گوید راست است و از وعده خود تخلف نمی ورزد. اینها همه گذشته از اینکه آفریننده و روزی دهنده، و زنده کننده، و میراننده و بخشنده و مهربان و برتر، و شریف و کریم است، خدای بزرگ از نقص هم برکنار است، بنا بر این جسم نیست، مانند اجسام ما و

از اجزاء مختلفه ترکیب نیافته است. و دیدن او امکان پذیر نیست نه در دنیا و نه در آخرت. و عوارض بر او راه نمی یابد، بنا بر این مریض نخواهد شد، گرسنه نمی شود، خوابش نمی برد و پیر هم نمی گردد، در کارهای خود شریک نداشته، یکه و تنها است، و صفات خدا عین ذاتش می باشد: پس: از ابتدای عالم بوده و قدرت داشته است، مانند ما نیست که نخست نادان بودیم و سپس دانا شدیم، قدرت نداشتیم و آنگاه مقتدر گشتیم. بی نیاز است یعنی: نیازی به مشورت و همکاری ندارد و به وزیر و لشکری محتاج نیست.

۲ _ عدل

بدین معنی که: دادگر است و به کسی ستم نمی نماید و کاری را بدون حکمت انجام نمی دهد، بنا براین هرچه را می آفریند و روزی می دهد و آنچه را می دهد و باز می ستاند از روی مصلحت است اگرچه ما نمی دانیم. همانطوری که اگر دکتری به بیمار خود داروئی داد می دانیم که: در آن مصلحتی است گرچه آن مصلحت بر ما پوشیده باشد بنا بر این اگر دیدیم: خداوند متعال کسی را ثروتمند و دیگری را تهیدست نموده، و یا به یکی شرافت بخشیده و به دیگری نبخشیده، یا یکی را مریض کرده و دیگری سالم است، و از این قبیل کارها... باید عقیده مند باشیم که: همه اینها از روی حکمت و مصلحت است گرچه ما به حکمت آن پی نبریم. چنانچه در روایت آمده که حضرت موسی(ع) از خداوند درخواست کرد: برخی از دادگریهای خود را که در ظاهر مشکل می آید باو نشان دهد، خداوند باو فرمود که: به صحرا رود و بر سر چشمه آبی در کمین

بنشیند تا جریانی را مشاهده کند. موسی (ع) بدانجا رفت و دید: اسب سواری در سر چشمه پیاده شد و پس از رفع احتیاج از آنجا دور شد ولی هنگام رفتن فراموش کرد کیسه پول خود را همراه ببرد. پس از چندی کودکی آمد کیسه را برداشت و رفت سپس پیر مرد کوری از راه رسید و می خواست وضو بگیرد که دراین هنگام مرد سوار برگشت و چون کیسه پول خود را ندید پیر مرد نابینا را بسرقت پولش متهم ساخت، کشمکش بین این دو در گرفت تا اینکه بالاخره اسب سوار کور را کشت. خداوند به موسی وحی فرمود که: اسب سوار مال پدر کودک را دزدیده بود، مال را بورثه پدر: (همان کودک) برگرداندیم و کور پدر اسب سوار را کشته بود که اینک به کیفر خود رسید. این بود نمونه ای از عدل و دادگستری خداوند، گرچه از نظر کوته بین ما درست نیست.

۳ _ نبوت

پیامبر به کسی می گویند که: خداوند متعال به او وحی می فرماید و پیامبران بر دو دسته اند: ۱ _ پیامبر مرسل: کسی را گویند که از طرف خدا برانگیخته شده تا مردم را از تاریکی به روشنائی و از باطل بسوی حق و از خرافات به حقیقت و از نادانی بسوی دانش راهنمائی کند. ۲ _ پیامبر غیر مرسل: کسی است که فقط برای خودش بر او وحی می شود و در رسانیدن احکام به مردم مأموریتی ندارد. و تعداد پیامبران یکصد و بیست و چهار هزار است (۱۲۴۰۰۰) و پیامبران مرسل چند نفری بیش نیستند، اول پیمبران (آدم) علیه السلام و آخر آنان (محمد) صلی الله علیه و آله

وسلم است. پیامبران مرسل نیز دو دسته اند: دسته اول: الوالعزم و آنان کسانی هستند که از جانب خدا برای شرق و غرب عالم برانگیخته شده اند و اینان پنج نفرند: ۱ ـ ابراهیم(ع). ۲ ـ نوح (ع). ۳ ـ موسی(ع). ۴ ـ عیسی(ع). ۵ ـ محمد (ص). دسته دوم ـ غیر الوالعزم و اینها بقیه پیامبران هستند. یهودیان از پیروان موسی علیه السلام و مسیحیان از پیروان عیسی علیه السلام، و مسلمانان پیروان محمد صلی الله علیه و آله هستند. ولی دین اسلام مکمل ادیان گذشته است، پس بر همه مردم جهان لازم است که از تعلیمات عالیه اسلام پیروی کنند همانطور که خدای متعال می فرماید. (ومن یبتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین)(۲). ترجمه: هرکس غیر از اسلام دینی اختیار نماید از او پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیان کاران است. اسلام تنها شریعت الهی است که تا روز بازپسین برجا خواهد ماند و هیچگاه نسخ نمی شود. تا کنون دانستید که محمد(ص) آخرین پیامبر الهی است و دینش اسلام است، که ناسخ همه ادیان و تا روز قیامت باقی است، اینک برخی از حالات آن حضرت را یاد آور میشویم: محمد(ص) فرزند عبدالله، مادرش آمنه دختر وهب است که در روز جمعه هفدهم ربیع الاول پس از طلوع فجر عام الفیل در مکه و در زمان سلطنت پادشاه دادگر، (انوشیروان) بدنیا آمده است و در روز بیست و هفتم ماه رجب پس از گذشت چهل سال از عمر شریفش در کوه حرا از جانب خداوند به پیامبری برانگیخته شد و جبرائیل (فرشته وحی) فرود آمد و اولین سوره قرآن را

بر او نـازل کرد (اقرا باسم ربک الـذی خلق...)(۳). سـپس برای رسانیـدن پیامهای الهی قیام کرد و در مراکز عمومی و میـدانها میگفت: (ایها الناس قولوا لا إله الا الله تفلحوا). ترجمه: (ای مردم. بگوئید بجز خدای یکتا خدائی نیست تا رسـتگار شوید) ولی چون اهالی مکه مشـرک بودنـد به اسـتهزاء حضـرتش پرداختند، می خندیدند و آزارش می دادند تا آنجا که فرمود: (ما او ذی نبی مثل ما او ذیت). ترجمه: هیچ پیمبری مانند من آزار ندید و در اول جز چند نفری انگشت شمار به او نگرویدند، اول کسی که ایمـان آورد امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السـلام بود و پس از او همسـر پیامبر حضـرت خـدیجه علیها السـلام و سپس دسته ای دیگر ایمان آوردند و چون مشرکین به حضرت بسیار ستم کردند، از مکه به مدینه هجرت فرمود، و این هجرت ابتدای تاریخ مسلمانان شد، در مدینه تعداد مسلمانان افزوده شد و دولت اسلامی روز به روز، رو به پیشرفت و قدرت می رفت تا آنجا که بر تمـدنهای جهان و ادیان سالفه برتری یافت. در مدتی که پیامبر اسـلام(ص) در مدینه منوره بودند جنگهائی برای مسـلمانان پیش آمـد که همگی آنهـا بر اثر دشـمنیهای مشـرکین بود. پیغمبر (ص) در تمام جنگها روش صـلح و مسالمت را از دست نمی داد و لذا تعداد کشـتگان از دو طرف، مسـلمان و غیر مسـلمان به شـهادت تاریخ در همه جنگها (که بیش از هشـتاد جنگ بود) از یک هزار و چهارصـد نفر تجاوز ننموده است. از زمان بعثت پیغمبر اکرم(ص) تا هنگامی که رحلت فرمود قرآن کم کم و بمناسبتهائی بر آن حضرت نازل می گردید تا این کتاب

بزرگ آسمانی در مدت بیست و سه سال تکمیل شد. پیغمبر اکرم(ص) دین و دنیای مردم را منظم و مرتب می ساخت، طرز داد و ستد و رویه معاشرت و اجرای سیاست را تشریع می فرمود و پس از آنکه اسلام تکمیل شد این آیه نازل گردید: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً)(۴). ترجمه: امروز دین شما را کامل گردانیدم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما بهترین دین قرار دادم. پس از رنجها و سختیهای فراوان رفته آثار کسالت در چهره پیامبر اسلام نمودار گردید و روز به روز شدت می یافت تا اینکه در روز بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم هجرت جهان را بدرود گفت وطبق وصیت آن حضرت، علی(ع) برای مراسم غسل و کفن و دفن و نماز خواندن اقدام کرد و در مدینه در جای کنونی به خاک سپرده شد پیامبر اسلام (ص) در تمام احوال خود بارزترین نمونه برای امانت و اخلاص، راستگوئی و اخلاق نیک، دانش و بردباری، گذشت و بخشش، کرم و شجاعت، تقوی و پرهیزکاری، زهد و فضیلت، پاکدامنی و دادگری، فروتنی و جهاد بشمار می رفت. بدن شریفش در اعتدال و تناسب بهترین بدنها و صورت مبارکش در نورانیت و زیبائی همچون ماه شب چهاردهم درخشان بود. خلاصه در او همه برتریها جمع و دارای شرافت و بزرگی بسیاری بود محور دانش و دادگستری و فضیلت و مدار دین و دنیا بود، تا بحال مانندش نیامده و تا ابد نخواهد آمد. این بود پیامبر مسلمانان، و این بود قانون گذار اسلام که دینش

بهترین ادیان و کتابش بهترین کتابها است (که باطل در آن راه نداشته و نخواهد داشت و از جانب پروردگار جهان نازل گردیده است).

۴ _ امامت

خداوند همانگونه که پیامبران را تعیین می فرماید جانشینان پیامبران را نیز تعیین می فرماید و دوازده نفر جانشین برای پیامبر ما محمد(ص) برگزیده است که آنان همان دوازده امامی هستند که نزد مسلمانان مشهور، و عبارتند از: ۱ _ امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) پسر عموی پیغمبر ما محمد(ص) و شوهر دختر آن حضرت فاطمه سلام الله علیها. ۲ _ امام مجتبی: حسن بن علی علیهما السلام که مادرش فاطمه (ع) دختر محمد (ص) است. ۳ _ امام شهید: حسین بن علی علیهما السلام که مادرش فاطمه (ع) دختر محمد(ص) است. ۴ _ امام زین العابدین: علی بن حسین علیهما السلام. ۵ _ امام باقر: محمد بن علی علیهما السلام. ۶ _ امام صادق: جعفر بن محمد علیهما السلام. ۷ _ امام کاظم: موسی بن جعفر علیهما السلام. ۸ _ امام رضا: علی بن موسی علیهما السلام. ۹ _ امام جواد: محمد بن علی علیهما السلام. ۱۰ _ امام هادی: علی بن محمد علیهما السلام. ۱۱ _ امام عسکری: حسن بن علی علیهما السلام. ۱۲ _ امام مهدی: محمد بن حسن قائم آل محمد علیهما السلام که در انتظارش بسر می بریم. این امامان دوازده گانه حجت خدا بر مردم اند و همگی فرزندان رسول خدا(ص) می باشند و در دانش و بردباری، فضیلت و دادگری، پاکدامنی و اخلاق نیکو و همه صفات مانند پیامبر اسلامند، مگر می شود دارای این صفات برجسته نباشند؟ زیرا اینان جانشینان پیامبر، و پیشوایان مردم و راهبران اسلام و

حجت خدا بر مردم جهانند. اینک حالات هریک را بطور اختصار بیان می داریم و پیش از امامان به شرح حال دختر پیغمبر(ص)، و همسر علی(ع)، مادر امامان فاطمه زهرا(ع) می پردازیم: دختر پیامبر (ص): فاطمه زهرا، پدرش فرستاده خدا: محمد بن عبدالله(ص) و مادرش: بانوی بزرگ اسلام، خدیجه (ام المؤمنین) است، شوهرش بزرگترین جانشین پیغمبر، امیرالمؤمنین(ع) علی است، و فرزندانش امامان دوازده گانه(ع) میباشند، در روز بیستم ماه جمادی الثانی و چهل و پنجمین سال تولد پیغمبر(ص) بدنیا آمده و در روز سه شنبه سوم ماه جمادی الثانی یازده سال پس از هجرت پیامبر (ص) در سن هیجده سالگی دار فانی را بدرود گفته است. مراسم غسل و کفن و دفن او را امیرالمؤمنین(ع) بعهده گرفت و طبق وصیت آن حضرت، جنازه او را در شهر مدینه مخفیانه و در جای پنهانی به خاک سپرد. این بانوی پرارج، در عبادت خدا و پرهیزکاری و فضیلت آئینه تمام نمای پدرش رسول خدا(ص) بود و خداوند در شأن او آیاتی چند از قرآن کریم نازل فرموده است، پیامبر اسلام به او (سیده نساء العالمین) یعنی: بزرگترین بانوی جهان لقب داد و او را بسیار دوست می داشت، تا آنجا که هرگاه بر رسول خدا وارد می گشت، حضرت به احترامش از جای بر می خاست و به او خوش آمد می گفت، و او را در کنار خود می نشانید و گاهی هم دست او را می بوسید و همیشه می فرمود: خداوندا با خشنودی فاطمه خوشنود خواهد شد و با رنجش فاطمه غضبناک می گردد. و برای امیرالمؤمنین(ع) چند پسر بنام: امام حسن و امام حسین و محسن(ع) آورد ولی حضرت محسن به جهت آزاری که بر او

شد، سقط گردید. او دو دختر هم بنام: زینب و ام کلثوم(ع) آورد. امام اول: امام علی امیرالمؤمنین(ع) فرزند ابوطالب، مادرش فاطمه بنت اسد، پسر عموی پیغمبر(ص) و شوهر دخترش و پدر امامان (ع) می باشد. پس از پیامبر، پیشوای مردم جهان و امیر مؤمنان است. در روز جمعه سیزدهم رجب سی سال پس از تولد پیغمبر(ص) در شهر مکه و در خانه کعبه قبله گاه مسلمانان بدنیا آمد، و در شب جمعه نوزدهم ماه رمضان در مسجد کوفه در محراب عبادت، با شمشیر ابن ملجم (لعین) ضربت خورد و پس از سه روز به درجه رفیعه شهادت نائل و بسوی پروردگار عالم شتافت در حالی که سن شریفش شصت و سه سال بود. امام حسن و امام حسین(ع) مراسم غسل و کفن و دفن حضرت را عهده دار شدند و جنازه مبارکش را در نجف اشرف و در همین بارگاه کنونی بخاک سپردند. این راد مرد فضیلت دارای برتریهای بیشماری است. او اولین کسی بود که به پیامبر(ص) گروید و در تمام عمرش به هیچ بتی سجده نگذارده بود، در تمام جنگها پیروزی نصیب او بود، و هیچگاه از میدان جنگ نگریخت و در قضاوت آنچنان ماهر بود که پیامبر (ص) فرمود: (اقضاکم علی) ترجمه: بهترین قاضی در میان شما علی است. و در دانش آنطور بود که پیغمبر (ص) فرمود: (انا مدینه العلم و علی بابها) ترجمه: منم شهر علم و علیم در است. (درست این سخن گفت پیغمبر است) و در حقانیت چنان بود که پیغمبر فرمود: (علی مع الحق والحق مع علی) ترجمه: حق با علی است و علی با حق است. در باره

رعیت دادگر بود و از بیت المـال به همگی یکسـان می داد، در ثروت زودگـذر دنیـا پرهیزکـار بود، هرگـاه به سرکشـی خزانه مسـلمانان می رفت به طلاها و نقره ها می نگریست و می فرمود: ای زردیها و سفیدیها بروید غیر مرا فریب دهید (که من فریب شما را نخواهم خورد) و سـپس آنها را میان درماندگان تقسـیم می کرد، به بیچارگان رحم نموده و با فقرا نشـست و برخاسـت مینمود، نیـاز حاجتمنـدان را بر می آورد و برحق حکم می کرد و به عـدالت قضـاوت می فرمود، خلاصه او در همگی صـفاتماننـد پیامبر(ص) بود، تا آنجا که در آیه مباهله خداونـد اورا خود پیغمبر دانسـته است(۵). امام دوم: امام حسن فرزنـد علی بن ابیطالب(ع)، مادرش فاطمه زهرا (ع) دخت پیامبر ما محمـد(ص) است، نوه رسول خـدا(ص) و دومین جانشـین آن حضـرت، و پس ازامیرالمؤمنین او پیشوای مردم است. در روز سه شـنبه نیمه ماه رمضان سال دوم هجرت در مـدینه منوره بـدنیا آمـد، و در روز پنجشـنبه هفتم ماه صـفر سال چهل و نه هجری بوسـیله زهر شـهید شد، برادرش حسین(ع) مراسم غسل و کفن و دفن او را انجام و در مزار بقیع، همین جایگاه کنونی به خاکش سپرد. عبادتکارترین و داناترین مردم عصـر خود بود و از همه کس بیشتر به پیـامبر شـباهت داشت و در زمـان خـود سـخاوتمندترین خانـدان نبـوت و بردبـارترین مردم بـود. آنقـدر بخشـش داشت که: هنگامی یکی از کنیزان آن حضـرت یک دسـته ریحان باو تقـدیم می دارد باو می گوید: تو را برای خدا آزاد ساختم و سـپس می فرماید: خداوند ما را این طور تربیت داده است: (فإذا حییتم بتحیه فحیوا بأحسن منها)(۶). یعنی: هرگاه برای شما هدیه ای

آوردنـد بهتر از آنرا به آنان اهـداء کنیـد. و در باره بردباری آنحضـرت گفته انـد: روزی یک نفر شامی آن حضـرت را دیـد و دهـان به ناسـزاگوئی گشـود. حضـرت جـوابش نـداد، تـا حرف خـود را تمـام کرد سـپس بطرف او رفت و بر او سـلام کرده با صورتی خنـدان گفت: ای آقـا به گمانم شـما غریب هستیـد؟ و شایـد اشـتباه می کنیـد؟! اگر از ما رضایت بخواهی راضـی می شویم و اگر چیزی بخواهی به تو خواهیم داد، و اگر راهنمائی بخواهی دریغ نداریم و اگر از ما سـرپرستی خواستی می پذیریم، اگر گرسـنه باشـی سـیرت می نمـائیم، اگر برهنه باشـی لبـاست می پوشانیم و اگر نیازمنـدی بی نیازت می کنیم و اگر از جائی رانـده شده ای پناهت می دهیم، و اگر کاری داری انجام می دهیم، مرد شامی چون کلمات حضـرت امام حسن راشـنید بگریه در آمـد (و فهمید که دسـتگاه تبلیغاتی و دروغ پرداز معاویه چقدر او را به اشـتباه انداخته است؟!) و گفت گواهی می دهم که تـوئی حجـت خـدا در روی زمین و خـدا بهـتر می دانـد که: رسـالت خـود را در چه خانـدانی قرار دهـد: (الله اعلم حیث یجعل رسالته). امام سوم: امام حسـین فرزند علی بن ابی طالب(ع)، مادرش فاطمه زهرا (ع) دختر حضرت محمد(ص) است نوه رسول خدا و سومین جانشـین او است، و پس از برادرش حسن(ع) پیشوای مردم است. در روز سوم ماه شعبان یکسال پس از برادرش امام حسن(ع) در مـدینه منوره بـدنیا آمد و در روز شـنبه دهم محرم سال شـصت و یک هجری، روز واقعه معروف عاشورا لب تشنه و مظلوم شهید شد. پس از سه روز از شهادتش حضرت امام زین العابدین(ع) فرزندش جنازه مبارک او

را در همین بارگاه فعلی در کربلا به خاک سپرد. فضائل حضـرتش بیش از آنست که بیان شود، او جگر گوشه رسول خدا بود و پیغمبر می فرمودند: (حسـین منی و انا من حسـین) یعنی حسـین از من است و من از حسـینم. و در باره او و برادرش حضـرت امام حسن فرمود: (هما ریحانتای فی الدنیا) یعنی حسن و حسـین جگرگوشه گان منند در دنیا و باز فرمودند: (الحسن والحسـین سیـدا شـباب اهـل الجنه) یعنی: حسن و حسـین دو بزرگ جوانان اهل بهشـتند، نیز فرموده انـد: (الحسن والحسـین امامان قاما او قعدا) یعنی: حسن و حسـین دو امامند، قیام کنند و یا قیام نکنند، حسـین(ع) دانشـمندترین، و عبادت کارترین مردم و آئینه تمام نمای پدرش امیرالمؤمنین(ع) بود. بیشتر شبها خودش شخصا انبان هائی پر از خوراک برای مستمندان بدوش می کشید که پس از شـهادتش اثر این دوش کشـیها در شـانه مبـارکش دیـده شـد، بسیار کریم و بزرگ و بردبار بود که می گوینـد: عرب بادیه نشـینی ضـمن چنـد فرد شعر از آن حضـرت درخواست بخشـش نمود و گفت: لم یخب الآن من رجاك و من حرّك من دون بابك الحلقه هرکس به تو امیـد داشـته نومیـد نگشـته و هر آنکس که در خانه ات را کوبیـده دست خالی برنگشـته است. انت جواد و انت معتمد ابوك قدکان قاتل الفسقه تو سخاوتمند و پناه بی پناهانی، پدرت نابود کننده فاسقین بود لولا الذی کان من اوائلکم کانت علینا الجحیم منطبقه اگر راهنمائیهای پـدر و جدت نبود پیکر ما را دوزخ فرا می گرفت. سـپس حسـین(ع) چهار هزار دینار باو داد و از او پوزش خواسته چنین فرمود: خذها فإنی إلیك معتذر واعلم بأنی علیك

ذو شـفقه بگیر این مبلغ را من از تو پوزش می خواهم و بدان که نسبت بتو مهربانم. لوکان فی سـیرنا الغداه عصی امست سمانا علیک منـدفقه اگر در آینـده چیزی بدست ما آمد ثروت سـرشاری بر تو ریزش خواهد نمود. لکن ریب الزمان ذو غیر والکف منی قلیلـه النفقـه امـا چکنم که گردش زمـانه به دلخـواهم نیست؟! و اینـک در دست من ثروت فراوانی نمی باشـد. آری چنین کسـی بود که با نهضت خونین خود اسـلام و دین جدش بلکه جهانی را برای ابد زنده کرد. نهضت حسـینی نهضتی بود که در جهان سابقه نـداشت. حسـین (ع) پس از برادرش برترین مردم بود که خون خود را برای آبیاری درخت اسـلام اهـدا کرد. امام چهـارم: امـام علی زین العابـدین فرزنـد امـام حسـین(ع)، مـادرش دختر یزدگرد (پادشـاه ایران) است. در روز پـانزدهم جمادی الاولی سال سـی و شـش هجری در روزی که جـدش امیرالمؤمنین (ع) بصـره را فتح کرد در مدینه منوره به دنیا آمد و در روز شنبه بیست و پنجم محرم سال نود و پنج هجری با زهر کشـنده ای مسـموم و شهید گردید. عمر شریفش پنجاه و نه سال بود، و در شـهر مدینه، قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در دانش و فضیلت و پرهیزکاری و دادرسی بی پناهان در زمان خود بی نظیر بود و علمـای مـا روایات بی شـمار و پنـدها و دعاهای بسـیار زیادی از آن حضـرت نقل کرده انـد. در شـبهای تاریک نقاب بر چهره می انـداخت تاکسـی او را نشـناسد و انبانهـائی از سـکه های طلا و نقره و یا از غـذا و هیزم پر کرده بـدوش می گرفت و درب یک بیک خانه ها می رفت و از

روی قرعه بین مستمندان تقسیم می کرد، پس از آنکه از دنیا رفت مردم مدینه فهمیدند، کسی که نقاب به چهره داشته و انبان بدوش می گرفت او بوده است. بسیار خوش داشت که بر سر سفره او یتیمان و زمین گیران و مسکینان بنشینند، از اخلاق نیک آن حضرت این بود که: ماهی یکبار غلامان خود را گرد خود جمع می کرد و به آنان می گفت: هرکدام از شما زن می خواهد، برایش همسر اختیار کنم و هرکس میل دارد او را به دیگری بفروشم خواهم فروخت، هرکس می خواهد آزادش کنم آزادش می کنم و هنگامی که مستمندی از او درخواست می نمود می فرمود آفرین برتو که توشه مرا به آخرت می رسانی. آنقدر سجده های طولانی می کرد که به او لقب سجاد یعنی: بسیار سجده کننده دادند و در اثر سجده بسیار پیشانی و دو کف دست و دو سر زانوانش پینه بست و آنقدر عبادت می کرد که به او (زین العابدین) گفتند(۷). یعنی زینت عبادت کنندگان. هرگاه به نماز می ایستاد بدنش مانند بید می لرزید و رنگ صورتش زرد می شد، مردی از نزدیکانش به او ناسزا گفت، حضرت ساکت مانده و هیچ نفرمود پس از چندی بسوی او روان شد، حاضرین گمان کردند حضرت می خواهد جوابش را بدهد، ولی حضرت این آیه را از قرآن قرائت فرمود: (والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین)(۸). ترجمه: آنان که غضب خود را فرو می نشانند و آنها که طرف خود را می بخشند، و خدا نیکوکاران را دوست می دارد. سپس حضرت به آن مرد گفت برادرم شما جلو من ایستادی و گفتی.. و گفتی.. اگر راست گفتی و اینها در من بوده است، از خداوند برای

خود آمرزش می طلبم و اگر دروغ گفتی و اینها در من راه نداشته است، از خدا برای شما آمرزش می خواهم. امام پنجم: امام محمد باقر فرزند امام زین العابدین(ع) مادرش دختر امام حسن(ع) در روز دو شنبه سوم ماه صفر یا اول ماه رجب سال پنجاه و هفت هجری در مدینه به دنیا آمد و در روز دو شنبه هفتم ماه ذیحجه سال یکصدو چهارده بوسیله زهر مسموم گردیده شهید شد، سن مبارکش پنجاه و هفت سال بود و در مدینه منوره در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. دارای فضیلتهای بزرگ، سیادت و آقائی، دیانت و دانش سرشار و بردباری فراوان و اخلاق نیکو و عبادت بسیار و فروتنی و سخاوت بی کرانی بود. در نیک خلقی آن حضرت می گویند: روزی یک نفر مسیحی به آن حضرت گفت (العیاذ بالله): تو بقر (گاو) هستی؟ حضرت فرمود: نه، من باقرم (شکافنده علوم) او گفت: تو فرزند آن زن آشپزی؟ حضرت فرمود: این حرفه او است گفت: تو پسر آن زن سیاهرنگ بدکاره زنگی هستی؟ حضرت فرمود اگر شما راست می گوئی خدا آن زن را بیامرزد و اگر دروغ گفتی خدا شما را بیامرزد، مسیحی فورا مسلمان شد. در دانش مانند دریای خروشانی بود که به هرپرسشی بی درنگ پاسخ می داد، ابن عطای مکی می گوید: علمای بزرگ که بخدمت حضرت باقر(ع) می رسیدند، کوچک می شدند و بقدری نزد حضرت کوچک می شدند که ندیدم نزد هیچکس دیگر کوچک شوند. حکم بن عقبه با آن همه بزرگی که در نظر مردم داشت، در خدمت حضرت باقر(ع) مانند کودکی بود که در حضور آموزگارش نشسته باشد، محمد بن مسلم می گوید: چیزی به خاطرم

نیامـد مگر آنکه از حضـرت باقر(ع) پرسـش نمودم و به اندازه سـی هزار حدیث از آن حضـرت پرسـیدم، همیشه بیاد خدا بود، فرزنـدش حضـرت صادق(ع) می فرماید: (پدرم بسـیار ذکر خدا می کرد من همراهش بوده و او همیشه تسبیح خدا می نمود و هرچند با مردم حرف می زد از یاد خدا غافل نمی گردید). عبادت و پارسائیاش بسیار بود و اشک از چشمانش جاری می شد. امـام شـشم: امـام جعفر صـادق، فرزنـد امـام محمـد بـاقر(ع) مـادرش فـاطمه (ام فروه) بود. در روز جمعه هفـده هم ربیع الاـول مصـادف بـا روزی که پیغمبر(ص) به دنیـا آمـد، در سـال هشـتاد و سه هجری پا به دنیا نهاد و در روز بیست و پنجم شوال سال یکصد و چهل و هشت مسموم شده به درجه رفیعه شهادت نائل گردید، سن مبارکش شصت و پنج سال بود. دانش و فضیلت، فقاهت و حکمت، زهد و پارسائی، راستی و عدالت، نجابت و بزرگی سـخاوت و شجاعت و دیگر صفات پسندیده در او بسیار و بیشمار بود: مرحوم شیخ مفید (ره) می فرماید علما آنقدر که از حضرت صادق(ع) روایت نموده اند از هیچ یک از اهل بیت روایت ننموده اند و راویان مورد اعتماد که از آن حضرت حدیث نقل کرده اند قریب چهار هزار نفرند، ابو حنیفه پیشوای فرقه حنیفه از اهل سـنت، از شاگردان مکتب حضرت صادق(ع) بود، حضرت بقدری پارسا بود که خوراکش سرکه و روغن زیتون بود و لباسـش زبر و خشن بود و چه بسا لباس وصـله دار می پوشید و خودش در باغ به کار می پرداخت و عبادت و نماز بسیار مینمود و خیلی از اوقات در نماز بیهوش می شد. شبی هارون عباسی کسی را خدمت

حضـرت می فرسـتد که او را به منـزلش دعوت کنـد. قاصـد می گویـد: وارد شـدم دیدم حضـرت تنها است و گونه خود را برخاک گذارده بطوری که پشت دسـتها و صورت مبارکش خاک آلود شده بود. امام هفتم: امام موسی بن جعفر(ع) ملقب به کاظم، مادرش حمیـده خاتون (مصـفاه) در روز یکشـنبه هفتم ماه صـفر سال یکصدو بیست و هشت در (ابواء) که منزلی اسـت بین مکه و مـدینه بـدنیا آمد و در روز بیست و پنجم ماه رجب سال یکصدو هشـتاد و سه پس از مدت چهارده سال که از روی ظلم و بیداد زندانی شده بود، در زندان هارون عباسـی به زهر سم مسـموم و به درجه رفیعه شهادت نائل گردید. مراسم غسل و کفن و دفن آن حضرت را فرزندش حضـرت رضا(ع) عهده دار شد و در همین مرقد شـریف در کاظمین به خاک سپرده شد. دانشـمندترین، فاضـلترین، سخاوتمندترین، و شجاعترین مردم زمان خود بود، خوشرفتار و نیک اخلاق بود، فضل و دانش او بر همه آشـکار و بزرگ مقام و بلند منزلت بود، عبادتش بسـیار و سـجده هایش طولانی و آنقدر غضب خود را فرو می نشاند که او را کاظم (فرو نشاننـده) نامیدند و آنقدر صالح بود که به او (العبد الصالح) می گفتند. دانش او در علوم مختلفه بسـیار بود و بر همگی اقران خود برتری داشت، حدیث مشـهور (بریهه) بزرگ مسـیحیان نمونه ای بارز از دانش آن حضرت است و پس از آنکه حضـرت او را محکوم ساخت اسـلام اختیـار کرده مسـلمان خوبی شـد. در سـخاوت آن حضـرت گفته انـد: هنگامی که مستمندی از حضرت درخواست یک صد درهم می نماید امام(ع) برای این که میزان

معلومات او را بـدست آورد، چنـد مسـئله از او سؤال می کنـد و چون خوب جواب می دهد دو هزار درهم به او می بخشد، در قرآن خوانـدن از همه مردم خوش صـداتر و در عبـادت و قرائت و قرآن از همگی کوشاتر بود و سـجده اش بیشتر از همه طول می کشـید و در گریه و تضـرع بدرگاه الهی بر همه پیشـی داشت تا آنجا که در زندان بحالت سـجده از دنیا رفت. امام هشـتم: امام علی بن موسـی الرضا(ع)، مادرش نجمه خاتون، در روز جمعه یازدهم ذیقعـده سال صـدو چهل و هشت (ه_.ق) در مدینه منـوره بـدنیا آمـد، و در روز آخر مـاه صـفر سـال دویسـت و سـه بـا زهر مسـموم و شـهید گردیـد. مراسم غسـل و کفن و دفن حضـرتش را فرزنـدش حضـرت جواد(ع) عهـده دار شـد و در بارگـاه فعلی در خراسان به خاک سپرده شـد. دانش و فضـیلت، نجـابت و سـخاوت، نیـک خلقی و فروتنی و عبـادات آن حضـرت مشـهور و نیـازی بـه گفتـن نـدارد، مـامون خلیفه عباسـی از حضرتش درخواست کرد که بجای وی خلافت اسلامی را عهده دار شود ولی حضرت مقام خلافت را نپذیرفت زیرا از نیرنگ مـامون در این پیشـنهاد بـا خبر بود و چون حضـرت رضـا(ع) خلافت را نپـذیرفت، مـامون حضـرت را ناچار ساخت که ولایت عهدی را قبول کند حضـرت به شرطی به این پیشنهاد تن در داد که در امور مملکت و شئون دولت دخالتی نکند. مامون گاه و بیگاه مجالسـی برای مناظره ترتیب می داد که در این مجالس امام رضا(ع) شرکت می فرمود و دانش فراوان او در باره ادیان و مذاهب، همگی را به اعجاب و تحسین

وا می داشت. حضرت رضا(ع) در عبادات کوشش فراوان داشت و بیشتر شبها را به عبادت سپری می کرد و چه بسیار از اوقات که در هر سه روز یکدفعه تمام قرآن را می خواند و خیلی اوقات در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و گاهی ساعتها سر بسجود می نهاد و با خدای خود راز و نیاز می کرد، روزه بسیار می گرفت و دارای بخشش فراوان بود و صدقات خود را پنهانی، بخصوص در شبهای تاریک به مستمندان می رسانید در آداب معاشرت آنقدر وارد بود که هیچگاه کسی را با زبان نیآزرد در سخن گفتن دچار اشتباه نمی شد و اگر در مجلسی کسانی اطراف او بودند تکیه نمی نمود، هیچگاه به صدای بلند نمی خندید و در انظار مردم آب دهان نمیا نداخت. وقتی سفره گسترده می شد همه اهل خانه حتی نوکران را احضار می فرمود و با آنان در سر یک سفره غذا می خورد. امام نهم: امام محمد جواد فرزند علی بن موسی الرضا(ع)، مادرش سبیکه خاتون، در روز دهم ماه رجب سال یکصدو نود و پنج هجری در مدینه منوره به دنیا آمد و در روز آخر ذیقعده سال دویست و بیست با زهر مسموم و شهید گردید. بدن مبارکش در کنار قبر جدش حضرت موسی بن جعفر(ع) در کاظمین همین جایگاه فعلی به خاک سپرده شد. در زمان خود دانشمندترین و فاضلترین و سخاوتمندترین و خوش مجلس ترین و خوش اخلاق ترین و فصیح ترین مردم بود و هرگاه سوار می شد یک کیسه طلا و نقره همراه خود بر می داشت و هیچیک از درخواست کنندگان را رد نمی نمود و هرکس از عموزاده هایش از او درخواست چیزی می کرد کمتر از پنجاه دینار باو نمی داد

و هرکس از عمه زاده هایش از او چیزی می خواست کمتر از بیست و پنج دینار باو نمی داد از نمونه های بارزی که دانش فراوان حضرتش را بر مردم ثابت کرد این بود که: یکسال پس از اعمال حج هشتاد نفر از دانشمندان ممالك مختلف گرد او جمع شدند و از مسائل گوناگون پرسش نمودند، حضرت نیز به همگی جواب فرمودند از چیزهائی که بسیار شگفت انگیز بود اینکه: در سن نه سالگی مردم بسیاری گرد او جمع شدند و در یک مجلس از او سی هزار پرسش کردند و همه را بدون درنگ و بی غلط جواب دادند. ولی این قبیل کارها از خاندان وحی و قرآن به دور نیست، خلیفه وقت پس از آنکه بارها حضرت را با پرسشهای بزرگی امتحان کرد و همه را جواب فرمود، دختر خود را به عقد او در آورد. امام دهم: امام علی النقی فرزند امام محمد جواد(ع) و مادرش سمانه خاتون است، در روز پانزدهم ماه ذیحجه یا دوم رجب سال دویست و دوازده (هجری) در مدینه منوره به دنیا آمد و در روز دو شنبه سوم ماه رجب، سال دویست و پنجاه و چهار در سامراء (با زهر سم مسموم و به درجه شهادت نائل گردید) و در همان سامراء در جایگاه کنونی به خاك سپرده شد. او با فضیلت ترین، دانشمندترین و سخی ترین و خوش زبانترین و عابدترین و خوش ذات ترین و خوش اخلاق ترین مردم زمان خود بود. (اربلی) ضمن داستانی در باره سخاوت حضرت این روایت را نقل کرده است که: خلیفه سی هزار درهم برای آن حضرت فرستاد، حضرت همه را به یک عرب بیابانی که مقروض

بود بخشید و به او گفت: با این پول قرض خود را می پردازی و بقیه را صرف خانواده ات می کنی و مرا از این مقدار کم معذور می داری. مرد عرب عرض کرد: ای پسر رسول خدا آرزوی من کمتر از سه درهم بود ولی خدا بهتر می داند که رسالت خود را درچه خاندانی قرار دهد مرد عرب با شادی بسیار پول را گرفت و رفت. امام یازدهم: امام حسن عسکری فرزند امام علی النقی(ع) مادرش (جده) در روز دو شنبه دهم ربیع الثانی سال دویست و سی و دو هجری به دنیا آمد و در روز جمعه هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت با زهر مسموم و به شهادت نائل گردید. مراسم غسل و کفن و دفن آن حضرت را فرزند برومندش امام زمان(عج) عهده دار شد و در جوار پدرش در سامراء در بارگاه کنونی به خاک سپرده شد. فضیلت و دانش، شرف و نجابت، بزرگی و عبادت فروتنی و مکارم اخلاق آن حضرت بر کسی پوشیده نیست. بسیار خوش اندام و زیبا چهره و با آن کمی سن دارای ابهت و عظمت خاصی بود و در اخلاق عینا به پیغمبر(ص) می ماند، در باره کرم آن حضرت از اسمعیل روایتی رسیده است که می گوید: در سر راه حضرت نشستم هنگامی که از جانب من عبور می کرد برایش سوگند یاد کردم و اظهار نیاز نمودم حضرت فرمود: آیا به دروغ بخدا سوگند می خوری در حالتی که دویست دینار پنهان کرده ای؟! این گفتار من برای آن نیست که تو را از بخشش خود محروم کنم. غلام من! آنچه با خود داری به او ده، سپس غلام حضرت یکصد

دینـار بـه مـن داد. مرد دیگری کـه بـه پانصـد درهـم نیازمنـد است چـون آوازه سـخاوت و بخشـش آن حضـرت را می شـنود، بخدمتش می رسد حضـرت پانصد و سه درهم به او می دهد و مسیحیان آن زمان همگی گواهی می دادند که این حضرت در فضـیلت و دانش و اعجـاز ماننـد مسـیح است دارای هیبـت و ابهـت بـود و در عبـادت کوشـا و اغلب شب زنـده دار بـود. امـام دوازدهم: امام زمان: مهدی، محمد بن حسن عسـکری(ع) مادرش: نرجس خاتون و در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در شهر سامرا بدنیا آمده است. امام زمان: (عج) آخرین حجت خدا در روی زمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام و دوازدهمین امام مسـلمانان می باشد، خداوند به اراده خود عمر حضرتش را طولانی نمود و از نظرها پنهان شد تا در آخرالزمان ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد. پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) بما خبر داده اند که: مهدی موعود، زنده و پاینده است تا آنروز که ظاهر گردد و سراسر گیتی را به تصرف درآورده و در آن دادگری را گسترش دهـد و کاخهـای سـتم را واژگون سـازد (تا خداونـد دین اسـلام را بر ادیان عالم پیروز گردانـد گرچه بر مشـرکان ناگوار آید(۹). بار پروردگارا! در ظهورش شـتاب کن و ما را از یاوران و دوسـتانش قرار بده، و چون امام زمان (عج) در خانه خود از انظـار پنهـان شـد، مسـلمانان محـل غیبت آن حضـرت را در سـامراء زیارتگاه خود قرار داده که اکنون آنجا به سـرداب غیبت مشهور است.

_ معاد

معاد عبارت است از اینکه: خداوند انسان را پس از مردن زنده می کند تا نیکوکاران را پاداش دهد و بدکاران را به کیفر اعمال خود برساند. کسی که ایمان بخدا داشته، عمل شایسته بجا آورد، نماز بخواند، روزه بگیرد، نیت خود را خالص گرداند کودکان یتیم را پناه دهد، از مستمندان و بینوایان دستگیری کند و اینگونه کارهای نیک انجام دهد. خداوند او را در باغستانهای بهشت که در زیر آن نهرهائی جاری است، می برد و همواره در جوار رحمت بی پایان قرار می گیرد، و کسی که کفر ورزید و کار ناشایسته از او سر زده و مرتکب دروغ، خیانت، قتل، دزدی، زنا، شراب خواری و نظائر آن گردیده سزای او آتش دوزخ و آبهای جوشان و غذاهای کشنده آن خواهد بود و پیوسته در اندوه و عذاب بسر خواهد برد. پیش از بهشت و دوزخ، دو منزل را باید طی کرد: ۱ _ منزل اول قبر است که در آن از اعمال پرسش می شود، و انسان پاداش کردار خود را می چشد، چنانچه پیغمبر اکرم(ص) فرمود: قبر، یا گودالی از گودالهای جهنم و یا باغی از باغستانهای بهشت است(۱۰). حالت انسان در قبر مانند شخصی است که بخواب رفته، گاهی با دیدن خوابهای خوب خوشنود و زمانی خوابهای پریشان دیده ناراحت می شود با اینکه اگر کسی در نزدیکی او باشد نمی داند این شخص خوابیده اکنون در سختی و رنج بسر می برد یا در آسایش. زندگان نیز از مرده ها جز کالبدی خاموش و بی روح نمی بینند و نمی توانند درک کنند که او در رنج است، یا در استراحت. ۲ _ منزل دوم قیامت است که خداوند

مردگان را زنـده می کنـد و همگی را در صـحرای محشـر گرد می آورد، در این هنگام دادگاههای بزرگ عدل الهی تشـکیل یافته، دادرسان که پیمبران و بندگان شایسته خدایند حضور می یابند و به توزین و سنجش اعمال مردم می پردازند، اینجا است که پرونـده افراد را گشوده گواهـان را احضـار می کننـد. دسـته ای که در دنیـا رفتـار و کردار شـان شایسـته بوده خوشـبخت و گنهکاران بـدبخت می گردنـد، بنا بر این بر انسان لازم است که بقدر توانائی خویش در کارهای نیک کوشـش کند تا در آن روز که فریادرسی نیست گرفتار بدبختی همیشگی و عذاب دائم نگردد.

۱ ـ سـوره یس: آیه ۸۲. ۲ ـ سوره آل عمران: آیه ۸۵. ۳ ـ سوره علق: آیه ۱. ۴ ـ سوره مائده: آیه ۳. ۵ ـ سوره آل عمران: آیه ۶۱. ۶ ـ سوره نساء: آیه ۸۶. ۷ ـ ائمه معصومین(ع)در زمان خود با بزرگترین مشـکلات روبرو بودند زیرا خلفای بنی امیه و بنی عباس خلافت اسـلامی را غصب کرده با اعمال زور و قدرت بر مسلمانان حکومت می کردند و از تماس مردم با خاندان رسـالت و ائمه طـاهرین(ع) جلـوگیری می نمودنـد، لـذا امامـان مـا مراجعـات فراوانی نداشـتند و از این رو به گوشه گیری می پرداخته و بیشتر اوقات را به عبادت پروردگار می گذرانیدنـد، از طرف دیگر علوم و معارف آنان هم ارثی بود بـدین معنی که بدون رنج بردن و تعلیم یافتن، از پدران خود به ارث می بردند و دیگر به تحقیق و مطالعه نیازی نداشـتند، قهرا بیشتر وقت آنان به عبادت و نمازهای طولانی می گذشت، (مترجم). ۸ ـ سوره آل عمران: آیه ۱۳۴. ۹ ـ (لیظهره علی الدین کله

ولو کره المشرکون) سوره توبه: آیه ۳۳. ۱۰ _ القبر اما حفره من حفر النیران او روضه من ریاض الجنه.

فروع دین

فروع دین

فروع دین اسلام بسیار است و ما به ذکر ده تای آن می پردازیم: ۱ _ نماز. ۲ _ روزه. ۳ _ خمس. ۴ _ زکات. ۵ _ حج. ۶ _ جهاد. ۷ _ امر به معروف. ۸ _ نهی از منکر. ۹ _ تولی. ۱۰ _ تبری. باید دانست که احکام و دستورات دیگری مانند خرید و فروش، ازدواج، قصاص، دیات، قضاوت و... از فروع دین است.

اول: نماز

نماز بر دو قسم است: واجب و مستحب: وضو: پیش از نماز بایـد وضو گرفت، ترتیب وضو و آداب آن بـدین قرار است: ۱ _ آب پاک و مباحی را تهیه کنید (ولی باید قبلا اعضاء وضو پاک باشد). ۲ _ دو دست را سه بار تا مچ ها بشوئید. ۳ _ مضمضه و استنشاق کنیـد به این معنی که: سه بـار آب در دهـان گردانـده و سه بار آب به بینی می کشـید. ۴ _ سپس نیت نموده که: (وضو می گیرم قربه الی الله). ۵ _ آنگاه درازای صورت را که از رستنگاه موی تا چانه است شستشو دهید و از پهنای صورت به اندازه ای که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد بشوئید. ۶ _ پس از آن دست راست را از بالای آرنج تا سر انگشتان می شوئید. ۷ _ سپس دست چپ را نیز از آرنج تا سرانگشتان می شوئید. ۸ _ آنگاه با دست راست جلو سر را از بالا به طرف پیشانی مسح کنید و مواظب باشید که رطوبت مسح سر به آب

صورت نرسد. ۹ _ بعد از آن با دست راست روی پای راست را از سرانگشتان تا بند پا مسح می کنید. ۱۰ _ و در آخر با دست چپ روی پای چپ را از سر انگشتان تا بند پامسح می نمائید. نماز واجب: نمازهای واجب بر چند قسم است که مهمترین آنها نمازهای شبانه روزی است. در شبانه روز واجب است پنج مرتبه نماز بخوانیم: ۱ _ نماز صبح، و آن دو رکعت است که وقتش از طلوع فجر تا طلوع آفتاب می باشد. ۲ _ نماز ظهر، و آن چهار رکعت است. ۳ _ نماز عصر، و آن چهار رکعت است. (وقت این دو نماز از اول ظهر تا غروب آفتاب است). ۴ _ نماز مغرب، و آن سه رکعت است. ۵ _ نماز عشاء، و آن چهار رکعت است. وقت این دو نماز از اول مغرب تا نیمه شب شرعی است. این طریق نماز خواندن برای کسی است که مسافر نیست ولی شخص مسافر بایستی نمازهای چهار رکعتی خود: (ظهر، عصر، عشاء) را مانند نماز صبح دو رکعتی بخواند. اذان: هنگام خواندن نماز به طرف قبله ایستاده بدین ترتیب اذان می گوئید: الله اکبر ۴ مرتبه، ترجمه: خدا بزرگتر از آن است که توصیف شود. اشهد ان لا اله الا الله ۲ مرتبه، ترجمه: گواهی می دهم که: خدائی به جز خدای یکتا نیست. اشهد ان محمد رسول الله ۲ مرتبه، ترجمه: گواهی می دهم که محمد فرستاده خدا است. اشهد ان علیا ولی الله ۲ مرتبه، ترجمه: گواهی می دهم که علی ولی خدا است. حی علی الصلاه ۲ مرتبه، ترجمه: بشتاب برای نماز. حی علی الفلاح ۲ مرتبه،

ترجمه: بشتاب برای رستگاری. حی علی خیر العمل ۲ مرتبه، ترجمه: بشتاب برای بهترین کارها که نماز است. الله اکبر ۲ مرتبه، ترجمه:.... لا ـ اله الاالله ۲ مرتبه، ترجمه: خدائی جز خدای یکتا قابل پرستش نیست. اقامه: پس از اذان بدین ترتیب اقامه می خوانید الله اکبر ۲ مرتبه اشهد ان لا اله الا الله ۲ مرتبه اشهد ان محمد رسول الله ۲ مرتبه اشهد ان علی ولی الله ۲ مرتبه حی علی الصلاه ۲ مرتبه حی علی الفلاح ۲ مرتبه حی علی خیرالعمل ۲ مرتبه قد قامت الصلاه ۲ مرتبه نماز برپا گردید. الله اکبر ۲ مرتبه لا ـ اله الا الله ۱ مرتبه نماز صبح: اینک نماز صبح را شروع می کنیم: ۱ _ نیت می کنید: (دو رکعت نماز صبح بجا می آورم قربه الی الله). ۲ _ می گوئید: (الله اکبر). ۳ _ به قرائت حمد و سوره می پردازید: (بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک یوم الدین، ایاک نعبد و ایاک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم ولاالضالین)، (بسم الله الرحمن الرحیم، قل هوالله احد، الله الصمد، لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد). ۴ _ سپس (الله اکبر) گفته برکوع بروید و قدری خم شوید که کف دستها به سر زانوها برسد و در این حالت سه مرتبه (سبحان الله) و یا یک مرتبه (سبحان ربی العظیم و بحمده) می گوئید. ۵ _ آنگاه سر برداشته می ایستید و می گوئید (سمع الله لمن حمده، الله اکبر). ۶ _ پس از آن به سجده می روید، بطوری که پیشانی بر روی خاک پاک یا مانند آن که سنگ و چوب و... است قرار

گیرد، در حالی که کف دست ها و سر زانوها و انگشت بزرگ پاها به زمین برسد و در این هنگام سه مرتبه (سبحان الله) یا یک مرتبه (سبحان ربی الاعلی و بحمده) بگوئید. ۷ _ آنگاه سر برداشته بنشینید و بگوئید الله اکبر، الله اکبر. ۸ _ بار دیگر به سجده بروید و همان ذکر را تکرار کنید و پس از سر برداشتن از سجده دوم می نشینید و فورا بر می خیزید و می گوئید (بحول الله و قوّته أقوم وأقعد) و رکعت دوم را نیز به همین ترتیب به جا می آورید. ۹ _ در رکعت دوم پس از اتمام حمد و سوره قنوت می خوانید، به این ترتیب که دو کف دست را برابر صورت قرار داده می گوئید: (ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخره حسنه و قنا عذاب النار)(۱). ۱۰ _ سپس مانند رکعت اول رکوع و سجده ها را بجا آورید و پس از سر برداشتن از سجده دوم نشسته و بدین طریق تشهد خوانده سلام بدهید: (الحمد لله. اشهد ان لا اله الاالله وحده لا شریک له، وأشهد أن محمداً عبده و رسوله، اللهم صل علی محمد و آل محمد، السلام علیک أیها النبی و رحمه الله و برکاته، السلام علینا و علی عبادالله الصالحین، السلام علیکم و رحمه الله و برکاته). ۱۱ _ پس از سلام نماز، مستحب است که بعنوان تعقیب نماز سه بار الله اکبر بگوئید، و آنگاه تسبیحات حضرت زهرا(ع) را به قرار ذیل بجا می آورید: ۱ _ (الله اکبر) سی و چهار مرتبه ۲ _ (الحمد لله) سی و سه مرتبه ۳ _ (سبحان الله) سی و سه مرتبه نماز

ظهر: نماز ظهر مانند نماز صبح است، جز اینکه: ۱ _ در نیت آن می گوئید: (چهار رکعت نماز ظهر بجا می آورم قربه الی الله تعالی) و دو رکعت اول را مانند نماز صبح بجا می آورید. ۲ _ وقتی که در تشهد به (السلام علیك...) می رسید آن را نگفته برای رکعت سوم بر می خیزید. ۳ _ در رکعت سوم بجای حمد و سوره سه مرتبه می گوئید. (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر) و این ذکر را (تسبیحات اربعه) می نامند، یعنی ذکرهای چهارگانه. ۴ _ پس از آن رکوع و سجود را بجاآورده برخیزید و رکعت چهارم را مانند رکعت سوم بخوانید و پس از آن مانند نماز صبح تشهد و سلام را بجا آورید. نماز عصر: نماز عصر عینا مانند نماز ظهر است، جز اینکه در نیت آن می گوئید: (چهار رکعت نماز عصر بجا می آورم قربه الی الله تعالی). نماز مغرب: نماز مغرب مانند نماز ظهر است، بجز اینکه ۱ _ در اول آن نیت می کنید: (سه رکعت نماز مغرب بجا می آورم قربه الی الله). ۲ _ و در رکعت سوم که سر از سجده دوم بر می دارید، می نشینید و سلام می دهید. نماز عشاء: نماز عشاء مانند نماز ظهر است، جز اینکه در نیت آن باید گفت: (چهار رکعت نماز عشاء بجا می آورم قربه الی الله) ناگفته نماند که حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشاء را مردان باید طوری بخوانند که اگر کسی در نزدیکی آنان باشد بشنود، (جهر). نماز آیات: آنچه تا کنون گفتیم نمازهای شبانه روزی بود، نمازهای واجب دیگری هم هست که یکی از آنها

نماز آیات می باشد(۲) و آن در هنگام گرفتن خورشید و ماه و همچنین وقوع زلزله و رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ که ترسناک باشند، باید خوانده شود و ترتیب آن بدین قرار است: رو به قبله ایستاده، نیت کنید که: (نماز آیات بجا می آورم قربه الی الله). ۱ ــ حمد و سوره خوانده، به رکوع می روید. ۲ ــ سر از رکوع برداشته، حمد و سوره می خوانید و به رکوع می روید. ۳ ــ سر از رکوع برداشته، حمد و سوره می خوانید و به رکوع می روید. ۴ ــ سر از رکوع برداشته، حمد و سوره می خوانید و به رکوع می رويد. ۵ ــ سر از رکوع برداشته، حمد و سوره می خوانید و به رکوع می روید، پس از رکوع دو سجده بجا می آورید و رکعت دوم را مانند رکعت اول می خوانید و پس از آنکه در رکعت دوم برای بار پنجم خواستید برکوع بروید قبلا قنوت را (بشرحی که گذشته) می خوانید و پس از آن برکوع و سجده رفته تشهد می خوانید و سلام می دهید. بنا بر این نماز آیات دو رکعت است ولی دارای ده رکوع است. (نماز آیات را بطریقه آسانتری هم می توان خواند و آن اینکه: پس از خواندن حمد، سوره قل هوالله احدیا سوره دیگری را به پنج قسمت تقسیم نموده و پس از خواندن هر قسمت آن یکبار برکوع رود، مثلا در سوره قل هوالله احد: بسم الله الرحمن الرحیم بگوید و به رکوع رود بعد بایستد و بگوید: (قل هوالله احد) دو باره برکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: (الله الصمد) باز به رکوع رود و بایستد و بگوید:

(لم یلد و لم یولد) و باز به رکوع برود، آنگاه سر برداشته و بگوید: (ولم یکن له کفوا احد) سپس برکوع پنجم رود و پس از سر برداشتن از رکوع پنجم دو سجده نموده بر می خیزد و رکعت دوم را هم مانند رکعت اول می خواند و پس از سجده دوم تشهد خوانده سلام می دهد - مترجم). نماز مستحب: نمازهای مستحبی، زیاد است و مهمترین آنها نافله های شبانه روزی است بدین طریق: ۱ _ نافله صبح دو رکعت و وقت خواندن آن پیش از نماز صبح است. ۲ _ نافله ظهر، هشت رکعت است و باید دو رکعت دو رکعت خوانده شود و وقت آن قبل از ظهر است. ۳ _ نافله عصر، هشت رکعت است که باید قبل از عصر و دو رکعت دو رکعت خواند. ۴ _ نافله مغرب چهار رکعت است که بعد از مغرب دو رکعت دو رکعت باید خواند. ۵ _ نافله عشاء دو رکعت است که بعد از نماز عشاء نشسته خوانده می شود. ۶ _ نافله شب، یازده رکعت است، که دو رکعت دو رکعت باید خواند. و رکعت یازدهمی را تنها بجا آورد و وقت آن از نیمه شب تا اذان صبح است تمام این نافله ها را بایستی مانند نماز صبح بجا آورد بجز اینکه در نیت باهم فرق دارند.

دوم: روزه

بر هر فرد مکلف واجب است که: در ماه مبارک رمضان اگر مریض یا مسافر یا حائض یا معذور بعذر دیگری نباشد روزه بگیرد، روز عبارت است از اینکه انسان پیش از اذان صبح نیت کند که: فردا روزه می گیرم قربه الی الله، و از اول

شفق تا مغرب شرعی از مفطراتی که روزه را باطل می کند دوری نماید: و مفطرات نه چیز است: ۱ _ خوردن و آشامیدن. ۲ _ جماع. ۳ _ استمناء. ۴ _ اماله نمودن با چیز روان. ۵ _ رساندن غبار غلیظ به حلق. ۶ _ باقی ماندن بر جنابت تا طلوع شفق. ۷ _ فروبردن سر بزیر آب. ۸ _ دروغ بستن به خدا و پیامبر و امام(ع). ۹ _ قی عمدی. چند مسأله: ۱ _ اول ماه رمضان و اول ماه شوال، به یکی از سه چیز ثابت می گردد: ألف _ دیدن ماه. ب _ دو نفر شاهد عادل شهادت دهند که: ماه را دیده اند. ت _ حاکم شرع حکم دهد که: ماه دیده شده. ۲ _ کسی که در ماه رمضان روزه خود را عمدا بشکند برای کفاره آن یکی از این سه کار را باید بجا آورد: ألف _ یا شصت روز روزه بگیرد. ب _ یا شصت فقیر را سیر کند. ت _ یا بنده مؤمنی را آزاد کند(۳). ۳ _ بر هر مکلفی که می تواند، واجب است در روز عید فطر برای خود و هرکه نان خور او است برای هریک نفر مقدار تقریبا سه کیلو گرم گندم، یا جو یا ذرت، بعنوان (زکات فطره) بپردازد و نیز می تواند قیمت هریک را حساب کرده به فقرا رد کند. ۴ _ مستحب است در روز عید فطر (نماز عید) خوانده شود. (در این مسأله اختلاف است).

سوم: خمس

خمس عبارت است از یک پنجم مال که در این هفت چیز واجب می شود: ۱ _ سودی که از راه: تجارت، کشاورزی، اجاره

مستغلات و هرنوع کسب مشروع بدست میآید، که پس از گذراندن مخارج سالیانه باید خمس آنچه پس انداز می شود پرداخت گردد. ۲ _ معادن طلا، نقره، نفت، نمک، آهن و مانند آن. ۳ _ گنج، هرکس گنجی را یافت خمس آن با شرایطش واجب می شود. ۴ _ مال حلال مخلوط به حرام، در صورتی که مقدار حرام و صاحب آن را نداند. ۵ _ آنچه از جواهرات دریا بوسیله فرورفتن در آب (غواصی) بدست آورند، مانند صدف و مرجان و... ۶ _ غنیمت جنگی که در حال جنگ و یا دفاع از کفار بدست می آید. ۷ _ زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد یا بنحو دیگر به کافر منتقل شود. خمس بدو قسمت تقسیم می گردد: ۱ _ نصف آن برای سادات فقیر که نمی توانند کسب کنند. ۲ _ نصف دیگر آن، به مجتهد عادل داده می شود که در راه مصارف اسلامی مصرف کند.

چهارم: زکات

زکات بر نه چیز واجب است: ۱ _ خرما. ۲ _ کشمش. ۳ _ گندم. ۴ _ جو. ۵ _ شتر. ۶ _ گوسفند. ۷ _ گاو. ۸ _ طلا. ۹ _ نقره. و زکات مال التجاره مستحب است. زکات در هشت مورد به مصرف می رسد: ۱ _ فقیر. ۲ _ مسکین، و آن کسی است که از فقیر سخت تر می گذراند. ۳ _ مأمورین وصول زکات. ۴ _ کافرانی که اگر زکات به آنها داده شود به اسلام مایل شوند. ۵ _ در راه آزاد کردن بردگان. ۶ _ بدهکاری که نمی تواند وام خود را بپردازد. ۷ _ (سبیل الله) مانند ساختن مسجد و پل و هرکاری که برای

مسلمانان نفع عمومی دارد. ۸ ــ (ابن السبیل): مسافری که در سفر مانده است، گرچه در شهر خودش ثروتمند است. اگر مردم این دو حق واجب: (خمس و زکات) را بپردازند بر روی زمین مستمندی باقی نمی ماند و مصالح اسلامی تعطیل نمی گردید، همانطوری که تاریخ مسلمانان صدر اسلام که بقوانین اسلام عزیز رفتار می کردند شاهد زنده ای برگفتار ماست.

پنجم: حج

یکی از ارکان اسلام حج است و بر هر فرد مکلفی که قدرت داشته باشد، واجب است در مدت عمر یک بار برای انجام مراسم حج به مکه (خانه خدا) برود. مراسم حج بر دو قسم است: قسم اول: عمره، و آن عبارت است از: ۱ ــ احرام، یعنی: لباسهای خود را در آورده و دو جامه که به آن احرام می گویند بپوشد. ۲ ــ طواف عمره، یعنی: هفت بار اطراف خانه کعبه بگردد. ۳ ــ نماز طواف عمره، یعنی: دو رکعت نماز مانند نماز صبح به نیت طواف عمره بخواند. ۴ ــ سعی بین صفا و مروه، یعنی: هفت مرتبه مسافت بین صفا و مروه را بپیماید (صفا و مروه دو کوه اند). تقصیر، یعنی: مقداری ناخن یا موی خود را بچیند. قسم دوم: حج و اعمال آن بدین ترتیب است: ۱ ــ احرام. ۲ ــ توقف در عرفات که آن موضعی است در نزدیکی مکه. ۳ ــ توقف در مشعر که آن موضعی است در نزدیکی مکه. ۴ ــ رفتن به منی، برای انجام اعمال سه گانه: ألف ــ (رمی جمره) پرتاب کردن سنگ بسوی پاره ای ازکوه. ب ــ قربانی کردن گوسفندی یا شتری یا گاوی. ت ــ تراشیدن سر. ۵ ــ طواف زیارت،

یعنی: اطراف خانه کعبه طواف نمودن. ۶ _ نماز طواف حج، یعنی: دو رکعت نماز به نیت طواف حج بجا آورد. ۷ _ سعی بین صفا و مروه، یعنی هفت مرتبه مسافت بین کوه صفا و مروه را بپیماید. ۸ _ طواف نساء، یعنی: هفت مرتبه اطراف خانه کعبه طواف کند. ۹ _ نماز طواف نساء، یعنی دو رکعت نماز مانند نماز صبح به نیت طواف نساء بجا آورد. ۱۰ _ بیتوته در منی، و رمی جمره در آنجا.

ششم: جهاد

جهاد از اموری است که بر مسلمانان واجب شده و معنی آن جنگیدن برای پیشرفت اسلام است، با چند دسته جهاد واجب است: ۱ _ با کفار و یا بت پرستان، یا منکرین خداوند و مانند آن، ولی جنگ با آنان صرفا به خاطر فتح و پیروزی نیست، بلکه به خاطر گسترش عدالت و دادگری در میان مردم، و نجات زیردستان از چنگال ستمگران و اجرای دستورات عالیه اسلام و احکام الهی است، بنا بر این تا آنجائی که ممکن است دامنه جنگ وسعت نمی یابد، و هرچه زودتر به خونریزی خاتمه داده می شود به همین جهت می بینیم که در تمام جنگهای پیغمبر(ص) با اینکه متجاوز از هشتاد جنگ بود، به شهادت تاریخ مجموع تعداد کشته شدگان از مسلمانان و مشرکین بیش از یکهزار و چهارصد نفر نبوده است. در جنگ با کفار، چنانچه طرف مقابل اسلام از اهل کتاب، مانند یهود و نصاری باشد، آنان را به انتخاب یکی از این سه راه مختار می نمایند. اول: اسلام بیاورند. دوم: جزیه بپردازند، بدین معنی که طبق قرارداد باید سالیانه مقداری از مال خود را به حکومت

اسلام بپردازند، تا در راه مصالح عمومی مصرف گردد و در این صورت می توانند با آزادی عقیده در سایه حمایت اسلام بزندگی خود ادامه دهند. سوم: جنگیدن. اما کفاری که اهل کتاب نیستند، آنان را به انتخاب یکی از دو راه مختار می سازند: الف ـ اسلام بیاورند. ب ـ برای جنگ آماده شوند. ۲ ـ اهل ذمه در صورتی که از شروط مقرره سرپیچی کنند، مسلمانان برای سرکوبیشان با آنان می جنگند، مگر آنکه باز به پیمان خود برگردند و یا مسلمان شوند. ۳ ـ مسلمانانی که بر پیشوای اسلام بشورند: آنان کسانی هستند که از دستورات اسلام سرباز زنند باید با اینان جنگیدتا از راهی که رفته اند برگشته، و به موازین اسلام رفتار نمایند.

هفتم: امر به معروف

امر به معروف از فروع مهم اسلام است، (معروف) آن است که اسلام بدان امر نموده، و انجام آن را واجب گردانیده مانند نماز، روزه، پرداخت حقوق مستمندان و رعایت قوانین مهم اسلامی... یا آنکه اسلام بدان امر نموده ولی انجامش را واجب نکرده است، مانند، اطعام مستمندان و پذیرائی از میهمان و اخلاق نیکو و تعلیم بی سوادان و مانند اینها... بنابر این امر نمودن به قسم اول واجب و به قسم دوم مستحب است: امر به معروف دارای چهار شرط است: ۱ ـ امرکننده بایستی اول خودش خوب و بد را تمیز دهد سپس امر و نهی نماید. ۲ ـ احتمال تاثیر بدهد. ۳ ـ در صورتی که طرف در عمل زشت خود اصرار ورزد. ۴ ـ از امر به معروف زیان قابل توجهی روی ندهد.

هشتم: نهی از منکر

و آن نیز از فروع مهم

اسلام است: مسلمانان به جهاتی چند بر ملتهای دیگر برتری دارند، مهمترین سبب این برتری اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند متعال می فرماید: (شما مسلمانان از میان مردم بهترین ملت هائید، برای آنکه به کار نیک امر و از رفتار ناشایست نهی می نمائید(۴). (منکر): آن است که اسلام ما را از آن باز داشته است مانند شراب، قمار، ربا، زنا، خوردن مال مردم بدون رضایت و مانند اینها یا آنکه اسلام آنرا مکروه دانسته است، مانند یاوه گوئی خوابیدن بین طلوعین و مانند آن... نهی از آنچه در اول گفتیم واجب و از مکروهات مستحب است. شرایط چهارگانه که در امر بمعروف گفته شد در نهی از منکر نیز رعایت می گردد. نهی از منکر دارای مراتبی است: ۱ ـ نهی قلبی، به اینکه قلبا از وقوع منکر بیزار باشد. ۲ ـ نهی باصورت، مانند روگردانیدن از بجاآورنده منکر. ۳ ـ نهی زبانی، با پند و اندرز، تا برسد به سرزنش و پرخاش. ۴ ـ نهی با دست، مانند زدن، تا آنگاه که زیان قابل توجهی پدید نیاید. امر به معروف و نهی از منکر، دو دستور واجب و در نهایت اهمیت است، تا آنجا که پیغمبر اسلام(ص) فرمودند: (تمامی کارهای نیک در برابر جهاد در راه خدا مانند قطره ایست، نسبت به دریا و همه کارهای نیکو و جهاد در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره ای است در مقابل دریائی بی کران). ولی متأسفانه کمتر کسانی هستند که به این دو واجب عمل کنند، حضرت باقر(ع) فرموده است: (در آخرالزمان مردمی هستند که امر به معروف و نهی

از منکر را واجب نمی شمارند، مگر آنجا که برای آنان زیانی در کار نیست و پیوسته، برای خود وقت گذرانی و عذرتراشی می کنند، اینجا است که خداوند آنان را مورد خشم خود قرار خواهد داد).

نهم و دهم: تولی و تبری

تولی، یعنی: دوستی خدا و پیامبران و امامان علیهم السلام. تبری، یعنی: بیزاری از دشمنان خدا و دشمنان پیامبران و امامان علیهم السلام. برای اینکه: اگر کسی شخصی را دوست داشته باشد از او پیروی می کند و اگر کسی با شخصی دشمن باشد از او دوری می نماید، بنا براین دوستی خدا و اولیاء خدا سبب می گردد که برای نظم دنیا و پاداش آخرت از آنان پیروی نمائیم.

۱ ـ سوره بقره: آیه ۲۰۱، نا گفته نماند که در قنوت غیر از این آیه هر دعائی را می توان خواند و یا به یک صلوات اکتفاء کرد. ۲ ـ غیر از نمازهای یومیه و نماز آیات، نمازهای واجب دیگری هم هست و آن عبارت است از نماز میت، نماز طواف، نماز قضای پدر و مادر، نمازی که بواسطه اجاره و عهد و قسم بر انسان واجب می شود و برای تفصیل هریک به رساله توضیح المسائل رجوع شود. ۳ ـ در جاهائی که برده فروشی مرسوم نیست این حکم ساقط می گردد. ۴ ـ (کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) سوره آل عمران: آیه ۱۱۰.

اخلاق

اخلاق

پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) با ایراد این گفتار جاویدان: (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) ترجمه: (من برانگیخته شدم تا اخلاق نیک را کامل نمایم). هدف اساسی خود را از بعثت تشریح می فرماید. دین در

واقع همه دستوراتش اخلاقی است. و تمام شئون اسلام از عبادات، داد و ستدها، تا حدود احکام همگی برپایه های بلند اخلاق و فضیلت استوار است. اینک به ذکر آنچه که سزاوار است انجام داد، و یا ترک نمود، می پردازیم:

اول _ محرمات

آنچه بجا آوردنش سزاوار نیست به آن حرام گویند و محرمات اخلاقی عبارت است از: ۱_ ستمگری. ۲ _ زیاده روی. ۳ _ مسخره کردن مردمان . ۴ _ مردم آزاری . ۵ _ پرده دری . ۶ _ نارضایتی پدر و مادر . ۷ _ احتکار ارزاق ملت . ۸ _ زنا . ۹ _ لواط . ۱۰_ اکتفاء زنان به زنان . ۱۱_ نگاه کردن به زنان نامحرم و مرد نامحرم . ۱۲_ نوشیدن شراب . ۱۳_ قماربازی . ۱۴_ خوردن گوشت مردار، و گوشت خوک و هر غذای حرام . ۱۵_ خوردن مال مردم بدون رضایت آنها . ۱۶_ رشوه خواری . ۱۷_ انگشتر طلا و زینت با طلا برای مردان . ۱۸_ حیله و فریب دادن مردم در کسب . ۱۹_ غش در معامله. ۲۰_ کنجکاوی در بدست آوردن اسرار مردم . ۲۱_ پایمال کردن حقوق . ۲۲_ استمناء . ۲۳_ آوازه خوانی و گوش دادن به آن . ۲۴_ دزدی . ۲۵_ دلالی زنا . ۲۶_ دروغ . ۲۷_ غیبت و سخن چینی . ۲۸_ دشنام دادن . ۲۹_ رباخواری . ۳۰ _ قتل. ۳۱ _ همکاری با کافران و ستمگران . ۳۲_ خیانت . ۳۳ _ حکم نمودن برخلاف قرآن و.

دوم _ فضائل

فضائل اخلاقی که زینت بخش مسلمان است عبارت است از: ۱ _ انصاف. ۲ _ کمک

بخوبی . ۳ ــ اصلاح بین مردم . ۴ ــ اخلاص در عمل . ۵ ــ نیکی به پدر و مادر . ۶ ــ صله رحم . ۷ ــ فروتنی . ۸ ــ توکل بر خدا . ۹ ــ بردباری ز. ۱۰ــ کسب دانش . ۱۱ــ نیک اخلاقی . ۱۲ــ خوشرفتاری با مردم . ۱۳ــ سخاوت . ۱۴ــ شجاعت . ۱۵ــ پاکدامنی . ۱۶ــ کمک بیچارگان . ۱۷ــ افشاء در سلام . ۱۸ــ صبر . ۱۹ــ میهمانی . ۲۰ــ عفو مردم . ۲۱ــ برآوردن حاجت حاجتمندان . ۲۲ــ میانه روی در هرچیز . ۲۳ــ پرهیزکاری . ۲۴ــ پاکیزگی . ۲۵ــ شرم داشتن . ۲۶ــ ازدواج . ۲۷ــ فرحناک بودن . ۲۸ــ راست گوئی . ۲۹ــ احترام به مردم . ۳۰ــ سپاسگزاری.

سوم ــ رذائل

رذائل اخلاقی که انسان را به سقوط می گراید عبارتند از: ۱ ــ حس انتقام جوئی . ۲ ــ فخریه نمودن . ۳ ــ ثروت فراوان . ۴ ــ کارهای بیهوده . ۵ ــ بی تابی در پیش آمدها . ۶ ــ تنبلی . ۷ ــ ریاست طلبی و مقام خواهی و ثروت دوستی . ۸ ــ آز . ۹ ــ خلف وعده . ۱۰ــ بدخلقی . ۱۱ــ کینه توزی . ۱۲ــ ترس . ۱۳ــ پست همتی . ۱۴ــ طمع کاری . ۱۵ــ شتابزدگی . ۱۶ــ تعصب ورزی . ۱۷ــ خودپسندی . ۱۸ــ بی توجهی به خدا و غفلت . ۱۹ــ زشتی . ۲۰ــ شک و تردید . ۲۱ــ منت . ۲۲ــ سنگدلی . ۲۳ــ منت نهادن و... آنچه از فضائل گفته شد همگی از کارهای مستحب نیستند بلکه برخی از آنها از نظر شریعت اسلام واجب است. همانطور

که آنچه از رذائل گفتیم همگی از کارهای مکروه نمی باشند، بلکه برخی از آنها در نظر اسلام حرام است. پس بر مسلمان لازم است، بکوشد و جدیت بخرج دهد تا خود را پاکیزه گرداند و اگر نسبت به قوانین مقدس اسلام کوتاهی نمود مانند پرنده شکسته بالی خواهد بود که نمی تواند پرواز نماید. برای مسلمانان فقط گفتن: من مسلمانم به درد نمی خورد زیرا مانند آن است که انسان مریض برای خود بگوید: من سالم هستم، همانطوری که گفته مریض بحال او سودی ندارد، گفتار مسلمان هم تا هنگامی که به دستورات اسلام رفتار ننماید بی تأثیر است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹